

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	فصل اول: کلیات طرح
۲	مقدمه
۴	۱-۱) طرح مسئله
۵	۱-۲) سئوالات تحقیق
۶	۱-۳) فرضیه تحقیق
۶	۱-۴) پیشینه تحقیق
۷	۱-۵) اهداف تحقیق
۷	۱-۶) روش تحقیق
۸	۱-۷) تعریف مفاهیم و واژگان کلیدی
۱۰	۱-۸) مشکلات و تنگناهای تحقیق
۱۰	۱-۹) سازماندهی تحقیق
۱۲	فصل دوم: مطالعات و مبانی نظری
۱۳	الف: گونه های تغییر
۱۳	۱) رویکردهای محافظه کاری
۱۳	۱-۱) محافظه کاری سنتی
۱۴	۱-۲) محافظه کاری ارتجاعی
۱۶	۱-۳) محافظه کاری روشن اندیش
۱۸	۲) رویکردهای اصلاحی

- ۲- ۱) بنیادهای نظری اصلاح طلبی ۱۸
- ۲- ۲) تقابل رویکرد اصلاحی با رویکرد انقلابی ۲۰
- ۲- ۳) توجه به عوارض ناشی از تغییرات و اصلاحات مستر در جامعه مدرن ۲۲
- ۳) جریان اصلاح طلبی در اسلام ۲۴
- ۳- ۱) چشم انداز تاریخ اصلاح در فرهنگ اسلامی ۲۴
- ۳- ۲) اهداف اصلاح طلبی اسلامی ۲۵
- ۳- ۲- ۱) اصلاح امور دینی ۲۵
- ۳- ۲- ۲) اصلاح تفکر و اندیشه ۲۵
- ۳- ۲- ۳) اصلاح روش ۲۶
- فصل سوم تاریخچه و زمینه های ظهور اسلام گرایان ۲۸
- ۱) تشکیل جمهوری ترکیه ۲۹
- ۱- ۱) استقرار جمهوریت و اصلاحات ۳۱
- ۱- ۲) نقش مذهب در جمهوریت ترکیه ۳۳
- ۲) ریشه های تاریخی - سیاسی - شکل گیری اسلام گرایی در ترکیه ۳۶
- ۲- ۱) اصلاحات اصلی عثمانی ۳۶
- ۲- ۲) انقلاب ترکان جوان ۳۸
- ۲- ۳) اقدامات دین ستیزانه مصطفی کمال پاشا ۴۰
- ۲- ۴) فضای باز سیاسی ۴۱
- ۲- ۵) سیاستهای اقتصادی سیاسی تورگوت اوزال ۴۲
- ۲- ۶) احزاب در جمهوری ترکیه ۴۳

- ۲- ۶- ۱) احزاب و مباحث سیاسی ۴۳
- ۲- ۶- ۲) خصوصیات مشترک و متفاوت احزاب ۴۷
- ۳) تاسیس حزب عدالت و توسعه ۵۳
- فصل چهارم: نقش عوامل داخلی در موفقیت حزب عدالت و توسعه ۵۵
- ۱) شکل گیری حزب عدالت و توسعه ۶۱
- ۱- ۱) نشانه های پیروزی حزب عدالت و توسعه ۶۱
- ۱- ۲) روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه ۶۴
- ۱- ۳) حزب عدالت و توسعه به عنوان یک حزب اسلامی ۶۵
- ۱- ۳- ۱) مشارکت سیاسی در بیانیه ها و اساسنامه حزب عدالت و توسعه.. ۶۶
- ۱- ۳- ۲) برابری سیاسی در اساسنامه و بیانیه های حزب عدالت و توسعه .. ۶۷
- ۱- ۳- ۳) آزادی مذهب در اساسنامه و بیانیه های حزب عدالت و توسعه .. ۶۹
- ۱- ۳- ۴) آزادی بیان در اساسنامه و بیانیه های حزب عدالت و توسعه ۶۹
- ۲) عملکرد حزب عدالت و توسعه در بعد سیاسی ۷۱
- ۲- ۱) تلاش اسلام گرایان برای تثبیت قواعد دموکراتیک در ترکیه ۷۱
- ۲- ۲) اقتدار احزاب و نهادهای مدنی ۷۳
- ۲- ۳) فرآیند همگرایی با اتحادیه اروپا ۷۴
- ۲- ۴) گذار از اسلام ستیزی ۷۵
- ۲- ۵) سیاست اصلاحی داخلی ۷۹
- ۲- ۶) ضعف مدیریت نظامیان و کمالیستها در انتخابات ریاست جمهوری ... ۸۰
- ۲- ۷) سالم بودن کادر حزب عدالت و توسعه ۸۱

- ۲ - ۸) افول ایدئولوژی کمالیسم و مطرح شدن بحران هویت در ترکیه ۸۲
- ۲ - ۹) قدرتمند شدن بازیگران غیر دولتی و جدید در عرصه سیاسی ترکیه .. ۸۳
- ۲ - ۱۰) مشی میانه روی و اعتدال حزب عدالت و توسعه ۸۴
- ۳) عملکرد حزب عدالت و توسعه در بعد اقتصادی ۸۶
- ۳ - ۱) تعامل دیالیتیکی توسعه اقتصادی و دموکراسی ۸۶
- ۳ - ۲) کارنامه موفق اقتصادی ۸۹
- ۴) دوران حاکمیت حزب عدالت و توسعه بر ریاست جمهوری ترکیه و چالشهای مربوط به آن ۹۰
- ۵) چالش های کنونی حزب عدالت و توسعه ۹۷
- فصل پنجم: نقش روابط منقطه ای در موفقیت حزب عدالت و توسعه ۱۰۴
- ۱) سیاست ترکیه نسبت به تحولات خاور میانه ۱۰۵
- ۱ - ۱) کاهش روابط با اصلاحیه و تمایل به گسترش روابط با فلسطین ۱۰۵
- ۱ - ۲) انتقاد از اقدامات خشن اسرائیل در سرزمینهای اشغالی ۱۰۶
- ۱ - ۳) حمایت ضمنی از حزب الله در جنگ ۳۳ روزه علیه اسرائیل ۱۰۶
- ۲) رویکرد ترکیه نسبت به اتحادیه اروپا ۱۰۸
- ۲ - ۱) دموکراسی آزادی و حقوق بشر ۱۰۸
- ۲ - ۲) اصول نظامیان در عرصه سیاسی کشور ۱۰۹
- ۲ - ۳) مسئله کردها ۱۱۱
- ۲ - ۴) عدم ثبات اقتصادی ۱۱۲
- ۲ - ۵) ساختار فرهنگی - اجتماعی ۱۱۳

۱۱۵	۲- ۶) ترکیب جمعیت شناختی
۱۱۵	۲- ۷) مهاجرت
۱۱۶	۲- ۸) موضوع قبرس و رابطه با یونان و مسائل ژئوپولوتیک
۱۱۷	۲- ۹) موضع اعضای اتحادیه اروپا نسبت به عضویت ترکیه در اجلاس ۳ اکتبر ۲۰۰۵
۱۲۱	نتیجه گیری
۱۲۲	نتیجه گیری نهایی
۱۲۶	منابع و ماخذ

فصل اول: کلیات

فصل اول: کلیات

مقدمه :

برای بررسی روند تحول و پیشرفت اسلام گرایان ترکیه ضروری است، در مرحله اول زمینه ها و شرایطی که در آن اسلام گرایان به جای تقابل به میانه روی و اعتدال تمایل پیدا می کنند، مورد توجه و شناسایی قرار داد. ترکیه به خصوص به لحاظ تجربه‌ی اخیر این کشور در هم زیستی و تکامل مشترک در مسیر دگرذیسی جنبش‌های اسلامی و نیز فرآیند دموکراتیزاسیون و آزادسازی نظام‌های سیاسی و اقتصادی حائز اهمیت است. در ترکیه لیبرال - دموکرات‌هایی مصمم و متعهد از بطن یک جنبش سیاسی - اسلامی منزوی ظهور کردند و با موفقیت برنامه‌ای فراگیر و دموکراتیک را پایه گذاشتند. این گروه برای طیف وسیعی از نیروهای فرقه‌ای، قومی، اجتماعی و سیاسی به حاشیه رانده شده از سوی دولتی کمالیست، گیرایی فراوان داشت.

بهره‌گیری از بررسی موردی ترکیه به مفهوم نفی رویکردی ماهیت باور در فهم سیاست‌های کشورهای اسلامی است. دگرذیسی جنبش‌های اسلامی در راستای گرایش اصیل و دموکراتیک اسلامی، توجیهی بر لزوم دست‌شستن از ماهیت باوری و نیز پیامد چندین متغیر بافتاری است: فرآیند مستمر آزادسازی پدید آورنده فضاهای رقابتی سیاسی و اقتصادی، نقش فرآینده بورژوازی اسلامی، گسترش عمومی و حضور روشنفکرانی جدید در جنبش. مهمترین عامل در تکامل یک جنبش دموکراتیک اسلامی در ترکیه، بورژوازی نوخواسته و پایبندی مداوم آن به ارزش‌های دموکراتیک متبلور در فرآیند پشتیبانی از تحولات فرهنگی و پروژه‌های روشنفکران جدید است. دگرذیسی معاصر در ترکیه به دو دلیل انقلابی محافظه کارانه می باشد:

۱- انقلاب جاری را جامعه مدنی شکل داده و هدایت می کند؛ و تغییرات اجتماعی اقتصادی در آن مقدم بر تغییرات سیاسی هستند. انقلاب محافظه کارانه در ترکیه، به دلیل نهادینه شدن روند تحول پایدار و به لحاظ سیاسی متوازن در آن و نیز ورود بازیگرانی جدید یک دگرذیسی گام به گام و از پایین به بالا با هدف چیرگی بر زبان سیاسی، جامعه و سرانجام دولت، می باشد. گروه‌های اسلامی با اشراف بر جامعه سیاسی چیرگی بر حکومت را دنبال می کنند. به عبارت بهتر اسلام با دولت حزب عدالت و توسعه، به مرجع مناقشه ناپذیر هویت ترکیه مبدل شده است. کارگزاران این انقلاب

محافظه‌کارانه با تسلط بر سازمانها و انجمن‌های جامعه مدنی وضع موجود، شالوده‌های کمالیسم را با چالشی چشمگیر و چند وجهی مواجه ساختند.

آبشخور درک حزب عدالت و توسعه از محافظه‌کاری یک برداشت رایج سه وجهی است: خانواده، عثمانیسم و پارسایی.

عدالت و توسعه، محافظه‌کاری را موتور محرکه دگرگونی اجتماعی - سیاسی مبذول کرده است. محافظه‌کاری در ترکیه بیش از این که گرایشی سیاسی باشد، اجتماعی است و در این قالب تداوم ساختارهای ارزشی و اعتباری سنتی را دنبال می‌کند، که در تضاد با فردیت است و از سوی دیگر از تغییر اقتصادی و فناورانه دفاع می‌کند. حزب از تغییر از صافی سنت (بخوانید اسلام) می‌گذرد و جامعه را ناظر اصلی اجتماع می‌شناسد. اسلام به عنوان نقشه راهی برای اخلاق و هویت و ملات همبستگی اجتماعی، همواره ارائه دهنده یک چارچوب شفاف گفتمانی بوده که در آن مسائل مرتبط با زندگی روزمره، مفهوم حیات طیبه و فرا روایاتی (meta-narrative) برای فهم گذشته و آینده مورد بحث قرار می‌گیرد. مهمتر از همه اسلام حامل نمادها و پایه‌هایی ارزشمند برای تعامل و بحث با اجزای جامعه است.

زبان اخلاقی حزب عدالت و توسعه، زبان آمال انسانی و تکاپو در مسیر کسب قدرت است؛ و در آن تعابیر اخلاقی همواره پیش قراول موفقیت محافظه‌کاری حزب عدالت و توسعه در راستای رسیدن به موفقیت و قدرت، اخلاق زدایی شده (اصول زدایی شده) و هدف - مدار، و زبان سیاسی آن دستاورد - مدار و پیشرفت - مدار است .

در کل بررسی سیاست‌های حزب عدالت و توسعه از سال ۲۰۰۲ به این سو روشن می‌سازد که نقشه شناختی آن از منطق و امید خاص نیروهای اقتصاد و فناوری نشئت می‌گیرد و جایی برای ارزشهای ژرف اخلاقی مشترک بشریت در آن وجود ندارد. آنچه وجود دارد ایمان به فناوری و اقتصاد و نقش آن در بنیاد آینده است. هویت حزب عدالت و توسعه همان چیزی است که در میدان عمل دیده می‌شود و بیش از آن که تحت تأثیر داوری عوامل تجدید باشد، در کوران عمل شکل می‌گیرد. سیاست ورزی آن معطوف به کار آمدی و بازتاب دهنده شیوه‌های پیشرفت است.

بنابراین حزب اسلام‌گرایی عدالت و توسعه با فاصله گرفتن از یک موضع سخت عقیدتی، به رهیافتی محافظه‌کارتر و گرایشی دموکرات‌تر گراییده است. حزب عدالت و توسعه در واقع نشانگر چگونگی تعامل یک حزب در دو روند متفاوت، از یک سو پایبند به ایدئولوژی عمیقاً دینی و از طرف دیگر پایبندی به دموکراسی در چارچوب یک نظام سیاسی قانون محور و رقابتی می‌باشد. به عبارت دیگر عملکرد حزب عدالت و توسعه، پاسخ این سوال است که آیا امکان تبدیل جنبش‌های سیاسی مهم از دین اسلامی به عوامل پدید آورنده دموکراسی یا حتی لیبرالیسم وجود دارد.

۱- طرح مساله :

روند توسعه و دموکراسی در ترکیه نوین همواره در خطر دائمی انقطاع قرار داشته است، انقطاعی که عامل اصلی آن ارتش حامی ارزش‌های لائیک بوده است، ارتشی که در دوره‌های مختلف زمانی به بهانه دفاع از این ارزش‌ها به دولت‌های مختلف مدعی اسلام‌گرایی هجوم آورده، آن‌ها را از قدرت خلع و دوباره به پادگان‌های خود باز می‌گشتند ولی قدرت و نفوذ خود را در لایه‌های مختلف سیاست ترکیه برای مقاطع بعدی حفظ می‌کردند.

اما در این میان حزب عدالت و توسعه اردوغان که خود از درون حزب اسلام‌گرای رفاه‌اربران بیرون آمد و کوشید تعادلی میان اسلام‌گرایی و واقعیات سیاسی ترکیه ایجاد کند؛ اندک اندک می‌رود که این روند دائماً تکرار شونده را متوقف سازد. در این میان تردیدی وجود ندارد که ارتش و گروه‌های لائیک صحنه سیاسی ترکیه مخالف این مسیر هستند. ولی واقعیت امروز ترکیه این است که گروه‌های مخالف برنامه‌های حزب عدالت و توسعه توانایی لازم برای متوقف کردن این روند را ندارند؛ هرچند متوقف ساختن این توسعه و پیشرفت می‌تواند به دو شیوه اتفاق افتد:

۱- نظر عموم برای مخالفت با فرماندم و در مرحله بعدی جلوگیری از کسب اکثریت کرسی‌های پارلمان در انتخابات دو سال بعد پارلمان ترکیه

۲- کودتای نظامی به سیاق گذشته

از سوی دیگر دلایلی وجود دارد که با استناد بر آنها می‌توان گفت مخالفان در اجرای دو شیوه فوق

موفق نخواهند شد و دقیقاً به همین دلایل حزب اردوغان موفقیت‌های خود را ادامه خواهد داد:

۱- پایگاه اجتماعی نیرومند حزب عدالت و توسعه

۲- کارآمدی بالای دولت اسلام‌گرا

۳- سیاست خارجی موفق و هماهنگ با هویت تاریخی ترکیه

بنابر این طرح مسأله مختصر، رساله حاضر قصد دارد با بررسی متغیرهای فوق، به علل موفقیت حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه در تثبیت روند توسعه و دموکراسی و تسریع حرکت‌های توسعه‌ای ترکیه با تمرکز بر سال‌های بین ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۷ بپردازد. هرچند در نهایت تلاش خواهیم کرد علل و عوامل موفقیت حزب عدالت و توسعه در انتخابات اخیر را نیز مورد واکاوی قرار دهیم.

۱-۲ سوالات تحقیق:

سوال اصلی :

۱- با توجه به لائیک بودن سیاست حکومت ترکیه، حزب عدالت و توسعه چگونه در پیشبرد توسعه سیاسی و دموکراسی در این کشور و همچنین ارتقاء جایگاه ترکیه در عرصه بین‌المللی موفق بوده است؟

سوالات فرعی :

- ۱- اسلام‌گرایی چه روندی را در ترکیه سیر کرده است؟
 - ۲- عوامل داخلی چه نقشی در موفقیت حزب عدالت و توسعه داشته است؟
 - ۳- عوامل منطقه‌ای چه نقشی در موفقیت حزب عدالت و توسعه داشته است؟
- متغیر مستقل: حزب عدالت و توسعه
متغیر وابسته: روند توسعه و دموکراسی در ترکیه

۳-۱ فرضیه تحقیق:

حزب عدالت و توسعه با ایجاد تعادل میان اسلام گرایی و واقعیات سیاسی از یک طرف و حمایت های اجتماعی- اقتصادی از سوی دیگر، زمینه ساز توسعه سیاسی و رشد دموکراسی و ارتقاء جایگاه ترکیه در سطح بین المللی بوده است.

۴-۱ پیشینه تحقیق:

مروری کلی بر منابع موجود با موضوع کلی ترکیه در ایران حاکی از کمبود پژوهش در قالب های مختلف و به ویژه قلت تعداد کتاب های تألیفی در خصوص تحولات تاریخی و اوضاع سیاسی و اجتماعی ترکیه از بدو تأسیس تاکنون است که در حوزه مسائل سیاسی و اجتماعی ترکیه از سال ۲۰۰۰م به بعد که محدوده پژوهش حاضر می باشد؛ این کاستی چشم گیرتر است. در هر صورت منابعی را که در این نوشتار به نوعی مورد استفاده قرار گرفته است این گونه می توان مورد بررسی اجمالی قرار داد:

برخی از این منابع به تعریف نظری دو مفهوم اسلام گرایی و دموکراسی توأمان یا جداگانه اشاره و به ویژگیها، تاریخچه و سایر ابعاد این دو پدیده پرداخته اند. منابع یاد شده حجم بالایی را به خود اختصاص می دهند. به عنوان نمونه، گزارشهای پژوهشی نه گانه ای که تحت عنوان تحول گفتمان اسلام سیاسی در قرن بیستم توسط مرکز مطالعات راهبردی منتشر شده است از این نوع می باشد. برخی دیگر از منابع به صورت موردی به رابطه و نسبت اسلام و توسعه دموکراسی در نظر و عمل برخی از گروههای اسلامی در کشورهای اسلامی پرداخته اند.

کتاب «بنیانهای ساختاری تحکیم دموکراسی (تجربه دموکراسی در ایران، ترکیه و کره جنوبی)» از این نوع کتاب ها می باشد. این کتاب نوشته محمد فاضلی در شش فصل و ۴۶۹ صفحه از سوی انتشارات کندوکاو به چاپ رسیده و به مسأله دموکراسی و ساختار آن به طور عام و تجربه تحولات دموکراتیک در بازه زمانی بعد از جنگ جهانی دوم تا اوایل دهه ۶۰ میلادی در سه کشور ایران، ترکیه و کره جنوبی به طور تطبیقی پرداخته است. نویسنده ابتدا متغیرهای مؤثر بر دموکراتیزاسیون را بررسی کرده و این امر را با رویکردی ساختاری و تاریخی واکاوی نموده است. فصل دوم با تعریف

دموکراسی و برشمردن ویژگی‌های آن برای بحث درباره تحکیم یا گسست دموکراسی آغاز می‌شود. این کتاب در زمره آن دسته از مطالعات تطبیقی- تاریخی جا می‌گیرد که می‌کوشند میزان درستی نظریه‌ای را در شرایط واقعی ارزیابی کنند. فصول سوم تا پنجم روایت تاریخی تفصیلی از شرایط ساختاری منجر به عدم تحکیم دموکراسی در هر سه کشور ایران، ترکیه و کره جنوبی در فاصله سال‌های ۱۹۴۱ تا ۱۹۶۱ ارائه می‌کنند. شرحی مختصر از فرایند سیاسی منجر به عدم تحکیم دموکراسی و ختم شدن تجربه دموکراسی به کودتا در هر سه کشور در ابتدای هر سه فصل ارائه شده است. شرح فرایند سیاسی در خصوص ایران بسیار مختصر است، اما فرایند سیاسی آغاز تجربه دموکراسی در ترکیه و کره جنوبی تا بروز کودتا در این کشورها اندکی مفصل‌تر از ایران ارائه شده است. تأکید نویسنده و استدلال و سخن اصلی وی، اهمیت بنیادین ساختارهای تاریخی کشورها به طور عام و سه کشور مورد اشاره در این کتاب در شکل دادن به تحولات سیاسی و اجتماعی می‌باشد. از درون بررسی ساختارهای این سه کشور، الگویی برای تعمیم به دست آمده و این الگو در قالب مدلی که شرایط منجر به عدم تحکیم دموکراسی را خلاصه و بازنمایی می‌کند ارائه شده است.

۱-۵ اهداف تحقیق:

هدف این پژوهش نقش حزب عدالت و توسعه در روند توسعه و دموکراسی ترکیه است. که این ارزیابی در دو بعد تئوریک و عملی صورت گرفته است و در این رهگذر، بیانیه‌های حزب عدالت و توسعه و در بعد عملی نیز مجموعه اقداماتی که در این عرصه از سوی این حزب به انجام رسیده مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است.

۱-۶ روش تحقیق:

روش تحقیق مورد استفاده در پژوهش حاضر روش توصیفی و تحلیلی و تاریخی می‌باشد و روش گردآوری داده‌ها به شیوه‌ی کتابخانه‌ای بوده است که برای این منظور به بیشتر کتابها مقالات و دیگر آثار در این خصوص به زبان ترکی - استانبولی فارسی در دسترس است مراجعه شده است.

همچنین از منابع موجود در شبکه جهان گستر اینترنت به طور گسترده ای به دلیل عدم دسترسی آسان به منابع ترکی استانبولی و نیز فاقد منابع موجود در این زمینه به زبان فارسی استفاده شده است.

۱-۷- تعریف مفاهیم و واژگان کلیدی:

۱- دموکراسی

تعریف اصلی دموکراسی عبارت است از (حاکمیت مردم سالاری). این واژه از واژه یونانی باستان (demokratia) گرفته شده است. که از دو واژه (demos) مردم و (kratos) قدرت تشکیل گردیده است، اما این تعریف ظاهراً سراسر است، مسائل قابل توجهی از نظریه و عمل سیاسی را پنهان می کند، زیرا نه معنای مردم روشن است نه معنای حاکمیت. امروزه دموکراسی به مفهوم یک سیستم رقابتی حزبی است که در آن آزادی فعالیت های سیاسی برای گروه های مختلف در چارچوب های خبری تضمین گردیده و در مفهوم لیبرال آن تأکید بر حکومت اقلیت دارد. از اصول دیگر دموکراسی تأکید بر انتخابات آزاد و حق شهروندان در انتخاب شدن و انتخاب کردن فارغ از رنگ و نژاد و قومیت و... می باشد.

۲- توسعه سیاسی:

واژه توسعه سیاسی از دو کلمه "توسعه" و سیاست تشکیل شده است. در یک جمع بندی کلی می توان توسعه سیاسی را این گونه تعریف کرد: توسعه سیاسی **political development** افزایش ظرفیت و کارایی یک نظام سیاسی در حل و فصل تضادهای منافع فردی و جمعی، ترکیب مردمی بودن، آزادگی و تغییرات اساسی در یک جامعه است. توسعه سیاسی بارشده دموکراسی مترادف است و هر اندازه یک نظام سیاسی از انعطاف ناپذیری به انعطاف پذیری، از سادگی به پیچیدگی، از دنباله روی به خود مختاری و از پراکندگی به یگانگی گرایش پیدا کند، به همان نسبت توسعه سیاسی نیز در آن نظام افزایش می یابد. نوسازی سیاسی بیشتر به برقراری تجملات سیاسی اشاره می کند، در حالی که توسعه سیاسی بیشتر جنبه رفتاری و بنیادی دارد. به بیان دیگر، در حالی که نوسازی سیاسی با جنبه های روبنایی توسعه سروکار دارد، توسعه سیاسی با

دگرگونی‌های زیربنایی مربوط می‌شود. درحالی که نوسازی سیاسی با جنبه‌های روبنایی توسعه سروکار دارد، توسعه سیاسی با دگرگونی‌های زیربنایی مربوط می‌شود. سه عامل سازمان، کارایی، تعقل عملی و همبستگی ایدئولوژیک رهبران و پیروان را از لوازم توسعه سیاسی دانسته‌اند. (آقا بخشی و دیگران، فرهنگ علوم سیاسی)

۳- سکولاریسم

اصطلاح سکولار از ریشه لاتینی (suecularis) و (sueeculum) به معنای روزگار یا دنیا ریشه می‌گیرد و در اندیشه سیاسی غرب، به صورت اصطلاحی در آمده است که، به جای «دنیوی» در مقابل «دینی» به کار می‌رود. به عبارت دیگر، در تفکر غربی، چیزی را که مربوط به این دنیا و بی ارتباط با مسایل دینی و اخروی باشد، سکولار می‌گویند. پس از سپری شدن قرون وسطا در غرب، هنگامی که در میان طبقه نوپای تحصیلکرده، این طرز تفکر به وجود آمد که کلیسا، نباید در مسایل کشور دخالت کند، از آن پس سکولاریسم نام مکتبی گردید که اساس تفکر آن اعتقاد به جدایی مسایل دنیوی، مانند سیاست، اقتصاد و معیشت از مسایل مذهبی دارد. در این مکتب، مذهب تنها به عبادات و مراسم مخصوص خود و زندگی شخصی افراد مربوط می‌باشد و نباید در سیاست دخالت کند. حکومت سکولار (Secular state) حکومتی است که در قانون اساسی خود، هیچ یک از مذاهب موجود را به عنوان مذهب رسمی ذکر نکند و با جنبش‌های مذهبی بی‌ارتباط باشد و هیچ کاری را نیز به هدف‌های دینی و روحانی اختصاص ندهد. (فرهنگ کامل انگلیسی- فارسی آریان پور، ص ۴۹۵۳ ماده... secu)

لائسیسم

لائسیسم از لائیک یعنی وابستگی به شخص دنیوی و غیر روحانی، خروج از سلک روحانیون، دنیوی، و به معنای اخص لائیک یعنی تفکیک دین از سیاست می‌باشد. لائیسیم (Laicism) آیینی است که به موجب آن، نهادهای اجتماعی و وظایف مدنی - بویژه وظایف قضایی و آموزشی - باید به اشخاص غیر روحانی محول شود. اصولاً وصف لائیک، در مقابل وصف دینی و ایمانی است و به

معنای بی‌اعتنایی به مذهب و جدا سازی سیاست از انگاره‌ها و آموزه‌های دینی است. لائیسیتیه معمولاً در این جمله انجیلی تبلور می‌یابد که «آنچه را به سزار تعلق دارد به سزار برگردانید، و آنچه را به خدا متعلق است به خدا برگردانید». پیامد حقوقی این جدایی نیز در درجه اول عدم مداخله سیاست در دیانت و تفکیک حوزه دیانت از سیاست است. اعزام دیانت به حواشی غیر سیاسی از نخستین میوه‌های لائیسیزاسیون است. (شیدان وثیق، لائیسیتیه چیست؟، تهران، اختران، ۱۳۸۴، ص ۱۶۷).

۱-۸ مشکلات و تنگناهای تحقیق:

یکی از مشکلات اساسی این پژوهش کمبود منابع به زبان فارسی است. آنچه که موجود است نیز اغلب مربوط به تحولات دهه‌های پیشین ترکیه (از زمان تشکیل جمهوری ترکیه در سال ۱۹۲۳ تا اواسط دهه ۱۹۹۰م) می‌باشد. تحولات دهه‌های ۲۰۰۰ میلادی به بعد که محدوده زمانی این پژوهش را در بر می‌گیرد کمتر آثار تالیفی و ترجمه‌ای را به خود اختصاص داده است و اساساً این پژوهش با کمک منابع غیر فارسی به ویژه به زبان ترکی استانبولی بوده است. مضافاً این که بررسی دقیق و کامل یک پدیده خارجی مستلزم حضور در مکان مورد نظر و درک واقعه است که این امر به واسطه کمبود وقت و هزینه‌های سنگین میسر نشد.

۱-۹ سازمان دهی تحقیق:

پژوهش حاضر از پنج فصل و یک نتیجه‌گیری تشکیل شده است:

۱- فصل اول به کلیات تحقیق اختصاص دارد. در این فصل بیان مسئله، سوابق تحقیق، فرضیه، سوالات تحقیق، اهداف تحقیق، روش تحقیق، تعریف مفاهیم، مشکلات تحقیق آمده است.

۲- فصل دوم مطالعات و مبانی نظری می‌باشد. در مبانی نظری بر این نکته تمرکز می‌کنیم که حزب عدالت و توسعه بر مبنای چه رویکردی سیاست‌ها و اقدامات خود را در راستای توسعه و پیشرفت دموکراسی در عرصه‌ی داخلی و در عرصه بین‌المللی عملیاتی می‌کند.

۳- در فصل سوم به تاریخچه و زمینه‌های شکل‌گیری اسلام‌گرایان اختصاص دارد. در این فصل تشکیل جمهوری ترکیه، استقرار و جمهوریت، نقش مذهب در جمهوری ترکیه، طریقت‌ها، تاریخچه

و سیر تحولات جریان اسلام گرا، طبقه بندی احزاب و در نهایت اقدامات احزاب لائیک علیه اسلام گرایان اشاره شده است.

۴- در فصل چهارم به بررسی عوامل داخلی در روند توسعه حزب عدالت و توسعه خواهیم پرداخت.

۵- فصل پنجم اختصاص دارد بر کارنامه موفق سیاست خارجی، سیاست ترکیه نسبت به تحولات خاورمیانه، رویکرد ترکیه نسبت به اتحادیه اروپا، موضع اعضای اتحادیه اروپایی نسبت به عضویت ترکیه در اجلاس 3 اکتبر 2005. در نهایت نتیجه گیری آورده شده است.

فصل دوم: مطالعات و مبانی نظری

فصل دوم: مطالعات و مبانی نظری

از منظر نظری، محافظه‌کاری و اصلاح‌طلبی دو رویکرد اصلی جنبش‌ها (حتی احزاب و حتی دولت‌ها) در مواجهه با معضلات جامعه به شمار می‌روند. به طوری که با وجود تنوع «ایدئولوژی‌ها» در جنبش‌ها که هر یک پاسخی به شرایط متغیر جامعه هستند و علیرغم آن‌که در متون جامعه‌شناسی سیاسی از حدود بیست نوع ایدئولوژی نام برده می‌شود، در مقام عمل معمولاً فرض بر این است یکی از رویکردهای محافظه‌کاری و اصلاحی در میان حاملان این ایدئولوژی‌ها غلبه دارد. به عنوان نمونه یک جنبش لیبرالی، سوسیالیستی، مذهبی، فمینیستی و یا ناسیونالیستی در تنظیم رفتار حاملانش و برای رسیدن به اهداف خود، می‌تواند یکی از رویکردهای اصلاحی و محافظه‌کاری را داشته باشد. اما این جستار قصد دارد با توجه به تنوع تجربه‌های تغییر در جوامع معاصر با ارائه تقسیمات فرعی از رویکردهای دو گانه مزبور نگاهی دقیقتر و راهگشاتری را ارائه دهد.

الف) گونه‌های تغییر

۱) رویکردهای محافظه‌کاری

معمولاً محافظه‌کاری به ایده‌ها و رفتارهایی گفته می‌شود که توجیه‌کننده و حافظ وضع موجود در جامعه هستند و از این جهت در برابر ایده‌های انقلابی و اصلاحی قرار می‌گیرند که از تغییر وضع موجود دفاع می‌کنند. این برداشت از محافظه‌کاری برداشتی ساده، مجمل و حتی گمراه‌کننده است. بر مبنای یکی از تقسیم‌بندی‌ها، رویکردهای محافظه‌کاری در احزاب و جنبش‌های اجتماعی بر سه گونه است که در دو گونه آن اتفاقاً از تغییرات اجتماعی دفاع می‌کنند. (313-285)

(Heywood 1994)

۱-۱) گونه اول «محافظه‌کاری سنتی» است. در این محافظه‌کاری حفظ وضع موجود نسبت به تغییر آن از اهمیت بیشتری برخوردار است، زیرا وضع موجود، برغم همه ناخوشایندی‌هایش، برای ما آشناست. اطمینان، ثبات و امنیت در این وضع از ضمانت بیشتری برخوردار است. در حالی که تغییر وضع موجود، یعنی قدم گذاشتن در سفری ناشناخته که تهدید و ناامنی از لوازم آن به شمار می‌رود. به عبارت دیگر در این گونه محافظه‌کاری امورشنا در برابر ناآشنا، آزمون شده در برابر ناآزموده، حقیقی - در برابر رازآلود، معلوم در برابر مجهول، قطعی در برابر محتمل، محدود در برابر نامحدود،

نزدیک در برابر دور، کافی در برابر بسیار، متعارف در برابر کامل و حال خوش فعلی در برابر خوشی موعود در وعده‌های خیالی، ارجحیت دارد. به دلیل همین ارجحیت‌هاست که در این نوع محافظه‌کاری توجه به «سنت»، یعنی آن چیزی که از گذشته به دست ما رسیده و به آن عادت کرده‌ایم، اهمیتی اساسی و اصولی پیدا می‌کند؛ زیرا «سنت» مجموعه‌ای از اعتقادات، تجربیات و بصیرت‌های شناخته‌شده‌ای است که در طول زمان، آزمون خود را پس داده است و می‌تواند راهنمای قابل اعتمادی برای رفتار کنونی ما باشند. به عنوان نمونه از منظر این محافظه‌کاری، جنبش‌های مردم‌سالار که بر «دموکراسی پارلمانی» تأکید دارند، چشم به سراب دوخته‌اند و نمی‌دانند که از درون این دموکراسی‌ها چه غول‌های نامعلوم و ویرانگری (همچون هیتلر در نتیجه انتخابات جمهوری وایمار در آلمان-۱۹۳۳) سر برون خواهند آورد، اما نظام سلطنتی در «سنت سیاسی» پیشینیان آزمون خود را در برقراری نظم و امنیت پس داده است. از این رو چه باک از این‌که امروزیان این نظام مستقر را قبول ندارند؟! تجربه هزاران انسان در گذشته پشتوانه مطمئن این «سنت سیاسی» است. به همین دلیل از منظر محافظه‌کاری سنتی، «دموکراسی مردگان» بر «دموکراسی زندگان» ارجحیت دارد. افزون بر این‌ها، محافظه‌کاری سنت‌گرا بر خلاف دوگونه دیگر، خود را بیشتر در حوزه‌های فکری (خصوصاً در نقد رویکردها و اندیشه‌های اصلاحی و انقلابی) نمایان می‌کند و در حوزه عمل سیاسی احزاب و جنبش‌ها کمتر مطرح بوده است.

۱-۲) گونه دوم «محافظه‌کاری واپسگرا» است. این محافظه‌کاری اوضاع اجتماعی جامعه مدرن را بر نمی‌تابد و به دنبال تغییر اساسی وضع موجود است و از این نظر یک نیروی انقلابی است؛ اما این نیروی انقلابی، بر خلاف انقلابیون مدرن، رو به آینده ندارد و به گذشته می‌نگرد. این محافظه‌کاری هم به حال و هم به آینده بدبین است و راه برون رفت از بحران‌های جامعه جدید را در بازگشت به «دوران‌های طلایی گذشته» جستجو می‌کند. به دلیل مزبور به آن محافظه‌کاری واپسگرا گفته می‌شود. این‌گونه محافظه‌کاری برخلاف محافظه‌کاری سنتی خود را مقید به «سنت» نمی‌داند. زیرا «سنت» مجموعه‌ای است که در آن تجربیات پی در پی نسل‌ها ذخیره شده است و همچون دالانی گذشته‌های دور را به زمان حال وصل می‌کند. در محافظه‌کاری واپسگرا، همه چیز پس از عصر طلایی در مسیر زوال و فساد افتاده است و نکبت از سر و روی جهان می‌بارد. لذا راه نجات بشر بازگشت به «عصر

طلایی» است. رویکرد بازگشتی آشکارا از عدم رضایت این نوع محافظه‌کاری از وضع موجود و بی‌اعتمادی به آینده حکایت دارد.

در طول تاریخ این نوع بازگشت به گذشته، بارها اتفاق افتاده و تا دوران جدید نیز تداوم داشته است. نمونه‌های مشهور محافظه‌کاری واپسگرا را می‌توان در جنبش نازیسم و فاشیسم (دهه ۱۹۳۰) آلمان و ایتالیا مشاهده کرد؛ در اولی، امپراطوری رم مقدس (یا دوره رایش سوم) و در دومی عصر لشکریان منظم امپراطوری رم به عنوان عصر طلایی شناخته می‌شدند. شکل خفیف‌تر این نوع محافظه‌کاری در دوران تاجریسم و ریگانیسم (در این دو جنبش از کوچک کردن مسئولیت دولت به هر قیمت - حتی به قیمت رشد افراد بی‌خانمان در شهرها - دفاع می‌شد) نیز قابل ردیابی است. عصر طلایی تاجریسم، بازگشت به دوران ویکتوریا در قرن نوزدهم انگلستان بود که در آن سعی می‌شد ارزش‌های خوداتکایی، خودسازماندهی و نجابت انگلیسی این دوره برجسته و تبلیغ شود. عصر طلایی ریگانیسم، دوران حضور اولیه مهاجران انگلوساکسون در قاره آمریکا بود که در آن از روحیه خطرپذیری، کار سخت و خودگردانی مردم این دوره دفاع می‌شد. (علی اصغر سعیدی یوسف حاجی عبدالوهاب، صص ۱۱۵-۱۰۹).

محافظه‌کاری واپسگرا را به دلیل بازگشت به نمونه‌های عصر طلایی، یعنی بازگشت به دوران‌هایی مشخص و قابل فهم که باید «بنیادی» برای احیای زمان حال قرار گیرند، محافظه‌کاری «بنیادگرا» هم نامیده‌اند. در نظر آنان هزینه‌های سنگینی که برای بازگشت به این بنیادها به جامعه تحمیل می‌شود، به مراتب کمتر از هزینه‌ای است که مدرنیست‌ها یا نوگراها (چه نوع اصلاح‌طلب و چه نوع انقلابی آنان) برای تغییر جامعه به سوی آینده‌ای نامعلوم تحمیل می‌کنند. در مقابل، نوگراها، محافظه‌کاری بازگشتی را به شدت مورد انتقاد قرار می‌دهند. از نظر آن‌ها، حرکت بازگشتی محافظه‌کاران، حرکتی غیر واقعی و غیر قابل اجرا است و بلکه در اصل حرکتی رمانتیک است که حاملان آن در جامعه‌ی پر تحول کنونی، موقتاً احساس تشفی، امنیت و ثبات رازآلود می‌کنند. این محافظه‌کاری اساساً قادر نیست نسبت به پیچیدگی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه جدید، که نمونه پیچیدگی‌های آن در هیچ عصری قابل مشاهده نیست، تبیین درخوری ارائه دهد. این محافظه‌کاران با تاسی به اسطوره عصر طلایی، به دنبال بنیادی برای تغییر وضع موجود هستند که هزینه‌های گرانبار انسانی و مادی